



۲۰۱۸/۰۴/۱۸

دوکتور محمد ظاهر عزیز

حرمت سخن و قلم

در قران کریم، کتاب مقدس مسلمان ها، سوره ای به نام قلم مختص گردیده است که خود به بزرگی و مقام قلم حکم می نماید. در آیت (۱)، سوره قلم، خداوند (ج) به قلم و آنچه می نویسد قسم یاد می نماید. از همین جهت است که در فرهنگ اسلامی، مسلمانان صاحب عقیدت به قلم و سخن مقام و حرمت بزرگی قایل اند. مراد از سخن در اینجا نوشتن است یعنی آنچه قلم می نویسد و شایستگی نوشتن و گفتن را دارد. ضمناً مراد آن نوع نوشتن و گفتن است که به مقام انسان به صفت انسان، حرمت بگذارد و شخصیت او را نگهدارد. قلم که مقام بزرگ دینی دارد و آنچه می نویسد، به نزد خداوند (ج) محترم است. لذا نباید قلم را برای نوشتن کلماتی که به شخصیت انسان تعرض گردد، بکار برد. اگر گاهی کسی به چنین کاری دست بزند یعنی با قلم مطالبی بنویسد که به شخصیت انسان تعرض کرده است، به قلم که به نزد خداوند (ج) محبوب است، بی حرمتی نموده است. با چنین کاری او در حقیقت به شخصیت خودش حمله نموده و این کار شایسته نویسنده که انسان است و امید است انسان با فرهنگ باشد، نیست.

انسان های صاحب فرهنگ می دانند که مکتوب و کتاب در اعتلای شخصیت انسانی و سیر انتقال دانش در طول قرن ها نقش بسیار بزرگ داشته و دارد. قلم که سخن انسان را از نسلی به نسل دیگر انتقال میدهد و در تکمیل شخصیت انسانی و اعتلای دانش و مدنیت جوامع انسان ها سهم بزرگ می گیرد صاحب احترام است. پس گناه است اگر قلم را برای نوشتن کلمات و سخنی که در جمله سخن های انسان های صاحب فرهنگ و با تربیت نباشد، به کار برد.

یکی از دانشمندان صاحب قلم، قلم را چنین تعریف می نماید: "کتاب حیات آدمیان با سطور اصحاب قلم رنگ می گیرد و از سطر سطر کتاب ها می توان راهی به سوی نور و حقیقت گشود. شیرۀ جان اندیشمندان و فرزندگان از نوک قلم های شان جاری می شود و در کام مخاطبان و خوانندگان ریخته می شود و آنان را جان و جلای تازه می بخشد. نویسندگان وقتی قلم بر کاغذ می کشند، گویا اشک می ریزند و با آب دیدگان سطور کتاب جان خویش را می نگارند. امید که حرمت قلم را پاس داریم و آنرا به ناحق بر کاغذ ندوانیم"

خوانندگان محترم این نوشته از گفته های زرتشت "پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک" حتماً مطلع هستند. زمانی که ما از رسالت گفتار نیک و یا مکتوب و کتاب که با قلم از نسلی به نسل دیگر انتقال می نماید و در ارتقای شخصیت انسانی انسان ها سهم می گیرد حرف می زنیم، هدف غائی و اصلی در این گفته انتقال میراث نیک است از یک نسل

انسان به نسل دیگر، میراث نیک یعنی دانش انسانی که برای رفاه معنوی انسان کمک نماید. لذا هدف نهائی و اصلی در گفتار نیک و پندار نیک انسان است که باید با حرمت و با در نظر داشت مقام انسان از راه قلم یعنی نوشتن به او انتقال نماید. در گفتن و نوشتن اگر شخصیت انسان مراعات نگردد، شخصیت نویسنده مورد سؤال قرار می گیرد و نوشته او را بی اهمیت و بی ارزش می سازد.

با ارایه مطالب فوق، به وضاحت می گویم که من به هیچ صورت آرزو ندارم که آزادی فکر و بیان و نوشتن را که از جمله حقوق و ارزش های انسانی می شمارم و در این راه در طول سال های چند جد و جهد نموده ام، در مضیقه سیاست های دولتی و یا نشراتی قرار دهم. من کاملاً متقاعد گردیده ام که آزادی فکر و بیان، مطبوعات و نشرات آزاد، در توسعه فرهنگ عامه، پایه گذاری و یا تکامل نظام های اجتماعی و دیموکراسی، خدمات نهایت بزرگی انجام میدهند و از نیازهای جوامع، خاصاً جوامع پس مانده مانند جامعه افغانستان، به شمار می روند. بعضی ها به این نوع سیاست و ستراتیجی آزاد مطبوعاتی غذای روحی و یا کلید دیموکراسی خطاب می نمایند و راست هم می گویند چون که در تکمیل رشد فکری همه طبقات جامعه نقش نهایت مهم دارد.

گفتن و نوشتن و سیاست مطبوعات آزاد برای افغان ها بسیار مهم و پر ارزش است زیرا در وطن ما اظهار آزادانه منویات فکری و علمی و ابراز نظر آزاد از طریق گفتن و نوشتن با ارتباط کمبودی های تخنیکی و محدودیت های خاص سیاسی، مطبوعاتی و نشراتی دولتی، تأریخ درازمدت ندارد. فلذا، گفتن و نوشتن صایب با مراعات حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی دیگران حتماً در ارتقای فرهنگ عمومی مردم وطن ما نقش صاحبقدر دارد و از ضرورت های اصلی جامعه امروز و فردای ما محسوب می گردد.

در کشور هایی که از حقوق انسان ها از طریق قوانین معتبر و عامه، روش ها و اصول دیموکراسی و عدالت و دستگاه های با اعتبار عدلی و فارغ از فساد دفاع می گردد، برای این که حقوق آزادی های فکر و بیان از طریق ایراد کنفرانس ها، رسانه های گروهی یعنی وسایل سمعی و بصری و طباعتی دایما بر حق باقی بمانند و حتی حقوق آنچه نویسندگان و هنرمندان به میان می آورد حفظ گردد تا کسی به ثمره گفته و هنر آنها تجاوز نکند، قوانین مطبوعاتی و نشراتی وضع نموده اند. لذا از طریق قوانین، حقوق دستگاه های نشراتی، طباعتی و نویسندگان و هنرمندان حفظ می گردد. در حدود مقررات مذکور حقوق کسانی که می شنوند و می خوانند و یا آنانی که بر آنها تعرض می گردد، نیز حفظ گردیده است و به این صورت به سخن گوین زبان دراز و یا نویسندگان تیز قلم که از سرحد قانون بگذرد، اجازه داده نمی شود که دور از حدود تعیین شده توسط قانون، آنانی را که می شنوند و یا می خوانند وسیله ارضای تشنگی زبانی و یا قلم خود بسازند و یا از طریق گفتن و نوشتن به شخصیت مردم و عقاید سیاسی و مذهبی و وابستگی های قومی و فرهنگی آنان تجاوز نا جایز نمایند و یا اینکه به احساسات مردم و یا طبقه از مردم لطمه وارد سازند و به این صورت نا آرامی، اسباب تشنج و خشونت های اجتماعی و سیاسی را ایجاد کنند.

من اطمینان کامل دارم که تمامی دستگاه های نشراتی و مطبوعات بیرون مرزی که از طرف افغان های مقیم آن کشور ها اداره می شوند، خاصاً آن دستگاه های که در کشور های غربی هستند، حتماً در قید قوانین مطبوعاتی و

نشراتی ممالک مربوط می باشند و این دستگاه ها میدانند که تعرض نا سالم به شخصی و یا گروهی از مردم، نا جایز است و شاید جرم محسوب گردد. آنانی که قدر و منزلت کلام را می دانند، عفت و حرمت قلم را نیز حفظ می نمایند.

" سخندان پرورده پیر کهن

بیندیشد آنکه بگوید سخن"

دانشمندان صاحب سخن و نویسندگان صاحب قلم در موقع حقیقت گویی و راست نویسی، در حالی که همه حقایق را به زبان می آورند و یا می نویسند، مقام و مرتبت والای سخن و قلم را حتماً مراعات می نمایند و نمی گذارند که به سخن و قلم هتک حرمت گردد و به این صورت با حسن گفتن و نگهداشتن عفت قلم، به گفته و نوشته خویش، او خود منزلتی را روا می دارد، مگر این که نویسنده بر حسب شوخی و یا طنز ادبی، حرف و کلمه ای را نصیب کسی نماید و یا فهمی را در قالب گفته ادبی بیان کند.

از سخنگوی صاحب تعلیم و نویسنده صاحب دانش حد اقل این امید می رود که در موقع اظهار عقیده، بیان و نوشتن و حقیقت گویی، در حالی که کوشش خواهد کرد که راستگو باشد، همه جنبه های اخلاقی سخن و قلم را مراعات می نماید در غیر آن مقام والای قلم را کمتر درک نموده است. بیان راستین و یا راستی را به زبان قلم آوردن، گناه و یا تحقیر قلم نیست، اما دشنام و بد گویی و تعرض به شخصیت کسی و یا خانواده او، و یا قوم او و یا فرهنگ او نه در حرمت و مقام سخن جا دارد و نه شامل در عفت قلم است.

"حرف بد ناوک دلدوز بود

همچو تیری ز جگر می گذرد"

تعرض به شخصیت کسی بنا بر اختلافات شخصی و یا با ارتباط عقیده سیاسی متفاوت، هم نا جایز و هم از اخلاق انسانی دور است زیرا اسباب تشنج و خشونت بار آرد اما در حقیقت، به شخصیت نویسنده و گوینده لطمه وارد می نماید. نویسنده در این صورت شخصیت خود را به میدان انداخته، خود و قلم خود را کم فرهنگ ساخته است.

همه می دانند که زبان قلم برنده تر از دم شمشیر است و اگر با فهم و تعقل نیک استعمال نگردد، زبان گردن ببرد و زمینه تشدید دشمنی مردم و جامعه را وسیله شود. در سیر تاریخ انسان ها بار، بار ملاحظه شده است که کسانی که به شخصیت انسانی و شخصیت قلم حرمت نکرده است، اسباب کشمکش های قومی، منطوقی و حتی جنگ های میان دولت ها را بوجود آورده اند. حیف است، گناه بزرگ است اگر شخصی و یا تعدادی از مردم وطن به ناحق و یا با ارتباط تفاوت های قومی، زبانی، مذهبی و یا تفاوت عقاید سیاسی با شخص دیگری، در دم چنین شمشیری قرار گیرند.

پایان

